

## گزارشی درباره موج تازه خداحافظی ملی پوشان

# پشت به پیراهن ایران

### گزارش یک سعیداحمدیان

بزرگ‌ترین آرزوی همه فوتبالیست‌ها در هر کشوری پوشیدن پیراهن تیم ملی کشورشان است، این بازیکن می‌خواهد در کشوری مانند برزیل که یکی از قطب‌های فوتبال دنیا است بازی کند یا هر کشور کوچکی مانند مالدیو که جایی در بین تیم‌های مطرح جهان ندارد، مهم بازی برای تیم ملی است؛ آرزویی که اوج موفقیت یک فوتبالیست است، از آن بالاتر پوشیدن پیراهن تیم ملی در مهم‌ترین رقابت فوتبال دنیا یعنی جام جهانی است، این رویایی است که خیلی‌ها فوتبالیشان را با آن شروع می‌کنند و نهایت آرزویشان است و کمتر کسی است که در آستانه رسیدن به چنین رویایی به آن پشت کند و قید آن را بزند اما چند وقتی است که پشت پا زدن به تیم ملی در فوتبال ایران باب شده است، آن‌ها هم بازیکنانی که می‌توانند برای تیم ملی کشورشان مهره مؤثری باشند و مربی تیم هم حساب ویژه‌ای روی آن باز کرده است اما تصمیم خداحافظی آن‌ها هم به پهنه‌های مختلفی از تیم ملی در فوتبال ایران انقدر طبیعی شده است که دیگر کمتر کسی تعجب می‌کند وقتی بشنود یک بازیکن ملی‌پوش در آستانه جام جهانی از تیم ملی کناره‌گیری می‌کند. در سه ساله که کارلوس کرش روی نیمکت ایران می‌نشیند او بارها با چنین خداحافظی‌هایی روبرو ره شده است که او را که در بالاترین سطح فوتبال دنیا مربیگری کرده هیچ کرده است، جباری و رحمتی دو نمونه از بازیکنانی هستند که هر کدام به پهنه‌های متفاوت در دو سال گذشته قید بازی در تیم ملی و همچنین حضور در جام جهانی را زده‌اند. همین است که کارلوس کرش وقتی این رفتار را می‌بیند عنوان می‌کند که در کشورهای دیگر همه برای بازی در تیم ملی می‌بندند و سر و دست می‌کشند اما در ایران بر عکس آن اتفاق می‌افتد و بازیکنانی هستند که به

پیراهن تیم ملی کشورشان پشت می‌کنند!

### ■ ■ ■

باید به سال‌ها قبیل برگشت و پسای صحبت‌های قدیمی‌های فوتبال نشست؛ هسان بازیکنانی که در زمانه‌ای که پول در این فوتبال نبود و بازیکنان برای عشق فوتبال بازی می‌کردند، پیراهن تیم ملی برایشان ارج و قرب زیادی داشت، آنقدر که برایش حتی حاضر بودند جان بدهند، وقتی پشت دروازه تیم ملی قرار می‌گرفتند و نامشان در بین دعوت شده‌ها نبود، تلاششان دو چندان می‌شد تا بالاخره آنقدر خوب برای تیم‌های باشگاهی شان بازی می‌کردند که در نهایت سرمربی تیم ملی را مجاب می‌کردند تا پیراهن ایران را بپوشند. وقتی هم در ترکیب قرار می‌گرفتند تمام نتوانشان را می‌گذاشتند برای پیروزی ایران. بازیکنی مانند حسن روشن در انتخابی جام جهانی ۷۸ آرژانتین با پای مصدوم دو گل به کویت می‌زند و خم به ابرو هم نمی‌آورد چراکه پیراهن ایران که نشان بود برایشان مقدس بود یا بازیکنی مانند علی دایی در بازی‌های آسیایی هیروشیما حتی با طحال پاره برای تیم ملی بازی کرد، طوری که پزشکان بعد از بازی وقتی او را معاینه کردند گفتند که تنها یک معجزه او را نجات داده است یا همین نزدیک‌تر سال پیش آنده که در بازی آخر ایران در انتخابی جام جهانی مقابل کره ۷۵ دقیقه با بازی شکسته بازی کرد.

### ■ ■ ■

اما این تنها یک روی سکه بود، روی خوب، رویی که پیراهن تیم ملی برایشان ارزش دارد، روی دیگر سکه اما سیاه است، هر چقدر هم بازیکنانی از این دست اندک شمار باشند اما سبب می‌شود تا خیلی‌ها تأسف بخورند، تأسف به حال کسی که فرصت بازی برای تیم ملی کشورش را داشت اما آن را به راحتی از دست داد، یکی مانند مهدی رحمتی به بهانه استراحت و اینکه



حضور مستمرش در بازی‌های تیم ملی و باشگاهی او را خسته کرده، از تیم ملی کنار می‌رود یا یکی دیگر مانند مجتبی جباری احتمال آسیب‌دیدگی‌اش را بهانه می‌کند تا پیراهن تیم ملی را در جام جهانی نپوشد و در عوض سال‌های بیشتری بتواند در کشورهای عربی حساب بانکی‌اش را پر و پیمان کند. این روی تلخ فوتبال ایران که خیلی‌ها را متعجب کرده که چطور یک فوتبالیست در حالی که فاصله زیادی تا بزرگ‌ترین رخداد طول عمر ورزشی‌اش ندارد به همین راحتی به آن پشت می‌کند تا آه حسرت خیلی از فوتبالیست‌های ایران بلند شود که اگر فرصت جباری و رحمتی را داشتند حتی یک ثانیه هم رسیدن به چنین موقعیتی را از دست نمی‌دادند!

### ■ ■ ■

صحبت‌های کرش هم در مواجهه با چنین بازیکنانی می‌تواند درسی برای مربیان ایرانی باشد، او از وقتی

بازیکنانی روی خوش نشان نداده و بارها در مصاحبه‌های مطبوعاتی درباره این بازیکنان گفته است: «تیم ملی جای تزن نزن نیست و جای کسانی است که از خودشان برای تیم ملی مایه می‌گذارند... بهترین جایگزین بازیکنانی خواهند بود که بالاتر از همه چیز خودشان را فدای تیم ملی می‌کنند و دوست دارند که در جمع تیم ملی باشند و برای من مهم بازیکنانی هستند که خودشان را در اختیار تیم ملی می‌گذارند... من باید مطمئن باشم آنهایی که به خودشان فکر می‌کنند و به منافع تیم فکر نمی‌کنند در تیم من نیستند و آنهایی که حاضر نیستند خودشان بگذرند.» پس از خداحافظی جباری از تیم ملی تعجب او بیشتر هم شد که چگونه در چنین سطحی این اتفاقات می‌افتد و بازیکنی تیم ملی کشورش را رها می‌کند. همین بود که باعث شد او در آخرین کنفرانس مطبوعاتی‌اش در این باره کنایه‌ای هم به فوتبال ایران



## پول، غرور، اختلاف واحساسات؛ بهانه‌های خداحافظی همه برای من، من برای خودم!

کرده است که البته این دلیل فقط و فقط خود عقیلی را می‌تواند مجاب کند و دهن کجی او به تیم ملی هیچ‌گاه از یاد مردم نمی‌رود حتی اگر آماده‌ترین بازیکن باشگاهی باشد.

■ **خداحافظی که خداحافظی نبود**

سعید مهدی رحمتی انطور که خودش مدعی است خداحافظی نکرده و فقط می‌خواسته به طور مقطعی برای مدتی در تیم ملی نباشد، اما حدس و گمانه‌هایی در مورد کناره‌گیری او عنوان شد که خیلی بیگانه به نظر می‌رسید. بیشتر اهالی فوتبال خداحافظی رحمتی را نوعی اعتراض قلمداد کردند؛ اعتراض به دعوت از یک دروازه‌بان دورگه به نام دانیل داری. البته بعدها گفته شد که اختلاف او با تکنونام بر سر بازویند کاپیتانی استقلال در این ماجرا بی‌تأثیر نبوده است که البته هر دو دلیل کاملاً بیگانه و غیر حرف‌های است و باید تأسف خورد برای گلری می‌کند. همین بود که ادعای برترین دروازه‌بان حال حاضر ایران را دارد.

■ **خداحافظی منحصر به فرد**

پس از شکست پرسپولیس در دیدار نهایی جام حذفی مقابل سپاهان در سال ۹۲ علی کریمی به طور احساسی در حالی که گریه می‌کرد اعلام کرد که برای

### نگاه شیوانوروزی

طعنه سنگینی بود برای

فوتبالیست‌هایی که به ظاهر دم‌ز وطن‌پرستی، می‌رسد یا پس می‌کشند: «در دفتر چه خاطراتم ثبت می‌کنم که یک قطری بیشتر از یک ایرانی

دلش به حال تیم ملی ایران می‌سوزد!»

طعنه بحثی که کارلوس کرش پس از خداحافظی یا بهتر است بگویم کناره‌گیری مجتبی جباری از تیم ملی در نخستین کنفرانس خبری‌اش به زبان آورد، انتقادی که شنیدنش از زبان مربی خارجی واقعاً برای ایرانی‌ها سنگین بود؛ ایرانی‌هایی که دلشان برای کشورشان و تیم‌های ملی‌اش می‌سوزد.

اما دل خونی از دست برخی ملی پوشان بی‌تعصب‌شان دارند. متأسفانه در چند سال اخیر موج پشت پا زدن ملی پوشان به پیراهن تیم ملی سیر صعودی به خود گرفته تا آنجا که بازیکنان زیادی ترجیح دادند قید پیراهن تیم ملی را بزنند و بروند دنبال فوتبال باشگاهی و پول بیشتری به جیب بزنند.

مجدیدی، رحمتی، عقیلی، جباری و ... انصرافی

بعدی هنوز مشخص نشده اما واضح است حضور جباری پر حاشیه قطعاً آخرین ملی‌پوش

حضور در ترکیب اصلی می‌چنگیدند، اما در ایران برای فرار از تیم صف کشیده‌اند. متأسفانه این بدعتی است که مهم‌ترین دگرگونی که مدت‌هاست یقه تیم ملی و تیم‌های باشگاهی را گرفته ر بازی باختن دو کار می‌توان کرد؛ یا سخندم یا گریه کنیم، من ترجیح می‌دهم به این وضعیت بخندم. دلیل لیخند زدنم هم این است که راحت‌تر است که من با کسانی کار کنم که با عشق و علاقه در خدمت تیم ملی خواهند بود. در آخرین صحبت‌هایی که مدیر باشگاه الاهلی انجام داده

تأکید کرده که جباری می‌تواند به ایران برود و برای تیم ملی بازی کند. من قطعاً این را در کتاب خاطراتم خواهم نوشت که ما قطر در خدمت تیم ملی با کسانانی که برای تیم ملی و جام جهانی هم می‌شوند تا مبدا آینده کاری‌شان به خطر بینند.

حضور موفق در جام جهانی بزرگ‌ترین آوردگاه فوتبالی جهان آرزو و انتظار همه هووطنان فوتبال دوستان است. از طرفی فدراسیون

## اینجا پیراهن ملی خواهان ندارد

فوتبال برای راهبایی تیم ملی به این مسابقات و برگزاری اردوهای تدارکاتی هزینه زیادی را پرداخت کرده است، حال که وقت آن رسیده تا نتیجه این همه هزینه را ببینیم برخی از انجام مسئولیت بزرگی که به گردنشان است شانه خالی می‌کنند. کرش در بخش دیگری از صحبت‌هایش خاطره‌ای تعریف کرده به تیم ملی گفت که بیش از هزار نفر خواهان پوشیدن پیرانش بودند اما اینجا در کشورمان خبری از این حرف‌ها نیست.

زمانی بازیکنان برای رسیدن به تیم ملی و حتی نشستن روی نیمکت ذخیره‌ها سر و دست می‌شکستند و در طول یک فصل تمام تلاششان را می‌کردند تا رضایت سرمربی تیم ملی را جلب کنند. ولی زمانه عوض شده، به شکل بدی هم عوض شده؛ آنها که به تیم ملی فراخوانده می‌شوند به راحتی و در جهت حفظ منافع شخصی خود به تیم کشورشان پشت می‌کنند و پیغام می‌دهند: نمی‌ایم! آنوقت مرد پر تغالی که دست به دامن بازیکنان شاغل در لیگ‌های اروپایی و دورگه می‌شود او را به باد

انتقاد می‌گیریم.

طمئناً کرش به این واقعیت رسیده که فوتبالیست‌های شاغل در لیگ ایران جز پول، درآمد بیشتر و مسائل حاشیه‌ای به چیز دیگری فکر نمی‌کند. اما بازیکنانی که در سایر لیگ‌های اروپایی پرورش یافته‌اند تفکر حرفه‌ای دارند و مفهوم «سربازان تیم ملی» را به خوبی درک کرده‌اند. دقیق‌تر که به این موضوع نگاه می‌کنیم می‌بینیم که هستند بازیکنان خارجی که با چند سال بازی در لیگ برتر حاضرند برای تیم ملی نام بازی هم می‌کنند. نمونه‌اش ادینهو بازیکن مس کرمان. ادینهو حتی برای کرش پیام هم فرستاد و علاقه قلبی‌اش را برای خدمت به تیم ایران اعلام کرد. منتها قوانین فوتبال سده راه این بازیکن شد.

پشت کردن به تیم ملی توهین به ملت است، توهینی که به سرعت در حال گسترش است و آینده‌ی آن نگران‌کننده است. امیدمی‌آورد که دامن خیلی‌ها را گرفته. به‌خورد فوتبالیست‌ها را برای فراری تیم ملی تنها راه مقابله با این اپیدمی است.

### قطعه‌نامه سپاه ۱۴ یاغی

## استعفای دسته جمعی از تیم ملی!

به زمین برتاب می‌کند و می‌گوید اگر این بستنی آلوده به مواد نریزوزا باشد و ما را بدیخت کند چه؟ در کره هم وقتی بازیکنان برای خرید به یک فروشگاه می‌روند، وقتی یکی دوبازیکن دستشان را برای برداشتن عروسکی دراز می‌کنند، وطنخواه روی دست آنها می‌زند و می‌گوید تا دهداری دست زده کسی دست زدن ندارد. این مسائل در کنار نیمکت‌نشینی در خشان و برخی سوءتفاهم‌های دیگر باعث می‌شود در راه بازگشت کاروان تیم ملی از ستول، نامه‌ای نوشته و توسط ۱۴ بازیکن (احمد سجادی، پنجعلی، فتونی‌زاده، اصغر حاجیلو، شاهرخ بیانی، درخشان، ناصر

### بازخوانی دنیاچیدری

خداحافظی‌هایی که وقتی پای تیم ملی در میان است، هیچ توجیهی نمی‌تواند دلیل منطقی برای آن باشد. اما سال‌ها پیش شاهد اتفاقی به مراتب بدتر از این بودیم. اتفاقی که باعث جدایی ناگهانی ۱۴ ستاره از تیم ملی شد و!

بعد از گذشت ۲۸ سال، هنوز هیچ‌کس به درستی نمی‌داند چرا آن اتفاق تلخ رخ داد و آن قطعنامه سیاه امضا شد! شاید همه چیز سوءتفاهم بود. شاید دخالت‌ها و افراط اطرافیان دهداری به خصوص



محمدخلی ابطحی، عبدالعلی چنگیز، عرشاهی وفتح‌آبادی شاهین بیانی، مرتضی یکه و بیوس) امضا شود. (قایقان که به دنبال وامی ۱۰ هزار تومانی بود این نامه را امضا نکرد). نامه‌ای که مضمون آن استعفاي دسته‌جمعی از تیم ملی بود و هدهش زمین زدن و بر کناری دهداری گفت پنجعلی پیر شده و او را در نخستین بازی تیم ملی در ستول روی نیمکت نلساند. اما این تیمکت‌نشینی برای مردی که هفت‌ماه قبل به عنوان کاپیتان تیم منتخب‌آسپار دیدار دوستانه برابر تیم ملی مجارستان انتخاب شده بود، منطقی نبود. مردی که البته چهار سال بعد از آن ماجرا با هدایت خط دفاعی تیم ملی در یکن ۱۹۹۰، نقش قهرمانی تیم ملی نقش می‌داشت. اما در واقع گفته می‌شد پنجعلی، به ضرر یکی از شاگردان قدیمی دهداری شهادت داده و از عوامل جمع‌شدن مدارک دل‌بر اتهام آن بازیکن و محکومیت وی بوده و به همین دلیل کنار گذاشته شده! چنگیز هم خیلی زود به اپوزسیون پنجعلی پیوست. در خصوص چنگیز یک گفت‌وگوی دو نفره با یک خانم کره‌ای موجب جدل شد. در حالیکه چنگیز در حال گذاشت و چنگیز و حاجیلو او را مثل یک پلیس برابر متهم با حالت دستگیری فراخوانده و با او به نزاعی یکطرفه می‌پردازد. ابطحی را هم یک بستنی درگیر کرد. او در دهکده المپیک در حال خوردن بستنی بوده که وطنخواه به شکل تند ی بستنی او را گرفته و

همیشه از دنیای فوتبال خداحافظی می‌کند، او حتی در پاسخ به سؤال خبرنگاران که از تیم ملی پرسیدند با حالتی حق به جانب گفت وقتی از فوتبال خداحافظی می‌کنم یعنی از تیم ملی هم می‌روم؛ البته او یک ماه بعد خبر از بازگشت خود داد و یک فصل را در کرش تراکتورسازی بازی کرد. اما آنچه مهم بود اینکه کرش به عنوان یک مربی حرف‌های هر چند احترام زیادی برای کریمی قائل است اما هنوز او را به تیم ملی دعوت نکرده است البته تلاش‌هایی در این خصوص صورت گرفته‌اما سرمربی تیم ملی فعلاً کریمی را بازیکنی خداحافظی کرده با تیم ملی می‌داند تا کریمی هم مثل بقیه بیاموزد نباید احساسی تصمیم بگیرد.

■ **خداحافظی در تعطیلات عید**

خداحافظی جباری از تیم ملی در سکوت خبری تعطیلات عید امسال باعث به‌وجود آمدن حرف و حدیث‌هایی شد تا اینکه او شخصاً مصدومیت زانو را بهانه‌ای برای خداحافظی اعلام کرد. اما آنچه از روحیات جباری مشخص است اینکه او برای تمام نشدن فوتبالش از تیم ملی کنار فت تا شاید بتواند حداقل دو سه فصل دیگر در کشورهای عربی بازی و دلارهایشان را جaro کند. اینگونه می‌شود که زیدن آسیا با ۲۸ بازی و ۳ گل، پرونده بازی‌های ملی خود را می‌بندد. وجه تشابهی که دیگر استقلالی نیز داشت؛ مجددی هم بیشتر می‌پسندید در باشگاه‌ها بازی کند تا اینکه ساق‌هایش را برای پیراهن تیم ملی کشورش به حرکت درآورد و جباری نیز کم شباهت به او است.